شخصیت محوری امامت نزد زیدیه؛ «خرج بالسیف»

نکته دیگر هم این است؛ قبلاً رجع به زیدیه گفتم روی اینکه امامی مفترض الطاعة داشته باشیم، حساسیت بود. بعد روایت را نگاه کردم. نکته ی مهمی در بر دارد. من از حافظه گفتم. نکته ی مهم آن این است: الآن نمیدانم کتابهای زیدیه روی این نکته تأکید دارند یا نه؟ ظاهر حرفشان که همین است. آن روایت کافی که مناظره جناب زید را با مؤمن الطاق ذکر میکنند، نکته اش این است: آنها میگویند بعد از پیامبر خدا یک امام بعینه و مفترض الطاعة از ناحیه خدا ندارید. حتی مؤمن الطاق گفت پدر شما علی بن الحسین علیهالسلام چه؟ ایشان که مفترض الطاعة بعینه بودند. این خیلی مهم است. این همان چیزی است که جلوتر عرض کردم. اگر بخواهید در یک کلمه مختصات عقیده شیعه را بگویید؛ امامیه و شیعه شخص محور هستند. نه شخصیت محور. یعنی شیعه میگوید امامت دوازده امام از ناحیه خدا تعیینشده است. شخص محور است. یعنی ما به وسیله نص با شخص کار داریم، نه با یک منصب. این خیلی اهمیت دارد. آن حدیث این را میرساند. ظاهراً الآن هم میگویند. میگویند چه زمانی واجب الطاعه میشود؟ آن وقتی که «خرج بالسیف». اگر خروج به سیف کرد و دعوت کرد، آن وقت واجب الاطاعه میشود. فلذا آن مناظره پیرامون این بود. ایشان میگفت حتی پدر من امام زین العابدین بعینه مفترض الطاعه نبود. بردار من امام باقر بعینه مفترض الطاعه نبودند. این کلمه «بعینه» منظور من است. این هایی که گفتم برای «مفترض الطاعه» نیست. برای «مفترض الطاعه بعینه» است. «بعینه» یعنی منصوص از طرف خدا است که خداوند او را بر همه خلائق واجب الاطاعه کرده، حال به صورت رسمی میخواهد امام باشد یا نباشد. این خیلی اهمیت دارد.

شاگرد: ظاهراً زیدیه امام حسن و امام حسین را قبول دارند. میگویند چون نص داریم که «سیدا قاما او قعدا»....

استاد: در همان روایت اینها هست. من وارد نشدم. خلاصه برای امام سجاد علیهالسلام چه میگویید؟ جناب زید برای پدرشان چه گفت؟ امام سجاد مفترض الطاعه بودند یا نبودند؟ منظورم این است. آن قبلی ها درست است؛ راجع به امیرالمؤمنین حرفی دارند. توضیح میدهند. بعد برای سبطین هم میآورند. در آن حدیث هست. وارد نشدم تا طول نکشد. فقط برای کلمه «بعینه» گفتم. آنها میگویند ما مفترض الطاعة بعینه نداریم، شخصیت است. «کل هاشمی قرشی علوی خرج بالسیف فهو مفترض الطاعه». بخاطر خروج به سیف و امام شدنش است. این هم نکتهای بود که گفتم عرض کنم؛ کلمه «بعینه» است. لذا جلوتر عرض کردم که مرحوم صدوق در مقدمه کمال الدین فرمودند اشد الناس بر علیه امامیه، همین زیدیه هستند. از این فرمایش شیخ صدوق معلوم میشود که از نظر بحثهای کلامی و درگیریهای میدانی بحث خیلی داغ بوده است. «هي أشد الفرق علينا»[1].

---

[1] كمال الدين و تمام النعمة، ج۱، ص: ۱۲۶

بازبینی #3
ایجاد شده 27 نوامبر 2025 14:55:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 12:03:23 توسط ... .